



دانشگاه علامه طباطبائی

پردیس نیمه حضوری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

جهانی شدن اقتصاد و چالش‌های کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس

نگارش

فاطمه عیوض خانی

استاد راهنما

دکتر حسین سلیمی

استاد مشاور

دکتر حسین دهشیار

استاد داور

دکتر هادی آجیلی

پاییز ۱۳۹۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به:

روان پاک پدرم ، آن فرشته ای که از خواسته هایش گذشت، سختی ها را به جان خرید و خود را سپر

بلای مشکلات و ناملایمات کرد تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده ام، برسم.

و به مادرم به زلالی چشمه، دریای بی کران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش

برایم همه مهر.

## سپاسگزاری

شکر خداوند متعال را به جای آورده که این توفیق نصیب من شد تا رساله خود را به پایان برسانم.

همچنین از خانواده‌ام تشکر نموده و کمال سپاس و قدردانی قلبی خود را ابراز می‌دارم و از خواهر

عزیزتر از جانم به دلیل یاری‌های بی‌چشمداشت ایشان در تمام مراحل زندگیم که بسیاری از سختی

ها را برایم آسان نمود، سپاسگزارم.

در پایان از استاد گرامی جناب آقای دکتر حسین سلیمی بسیار سپاسگزارم که با صبر و حوصله بسیار

مرا در نگارش این رساله هدایت فرمودند.

**چکیده:** این پژوهش به تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اقتصاد سیاسی کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس می‌پردازد. ( بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی) و با آمار و ارقام نشان داده می‌شود که اقتصاد این کشورها در جهت ادغام هرچه بیشتر در اقتصاد جهانی حرکت می‌کند. در کشورهای حاشیه خلیج فارس، دولت بیشترین نقش را در اقتصاد دارد. درآمدهای ناشی از نفت، تأثیرات مهمی بر روی ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس گذاشته است. دولت‌های این منطقه وابسته به درآمد نفت می‌باشند و دولت رانتیر محسوب می‌شوند. این کشورها حجم عمده نفت خود را صادر می‌نمایند. در فرایند جهانی شدن اقتصاد، اصلاحاتی در ساختار اقتصادی این کشورها باید صورت پذیرد. از منظر دولت‌های حامی آزادسازی اقتصادی، خصوصی سازی و مداخله کمتر بخش عمومی در اقتصاد، بهترین سازوکار برای بقای کشورها و رسیدن به اهداف شان در فرایند جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. یکی از ابعاد کاهش نقش دولت در اقتصاد ( تحت تأثیر جهانی شدن) اتخاذ سیاست‌های اقتصادی لیبرال از سوی کشورهای منطقه است. این کشورها تحت تأثیر نیروهای جهانی شدن قرار گرفته اند و جهانی شدن اقتصاد فرصت مناسبی برای اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد، اگر به موقع در جهتی مناسب و کارا گام بردارند تا بتوانند حجم عظیم دولت را در ساختار اقتصادی خود کاهش دهند. کشورهای حاشیه خلیج فارس طی دهه گذشته در جهت خصوصی سازی، تنوع اقتصادی، آزادسازی اقتصادی، کاهش نقش دولت در اقتصاد حرکت نموده اند و جهانی شدن اقتصاد دستاوردهایی را برای این کشورها به همراه داشته است و می‌توان گفت که فرایند جهانی شدن اقتصاد تا حدودی باعث گسترش بخش خصوصی در این کشورها شده است.

## فصل اول: کلیات پژوهش

بیان مسأله.....	۲
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۶
بررسی ادبیات موجود.....	۸
اهداف تحقیق.....	۱۳
سؤال تحقیق.....	۱۳
فرضیه.....	۱۳
متغیرهای تحقیق.....	۱۳
روش تحقیق.....	۱۴
روش گردآوری داده ها و اطلاعات.....	۱۴
مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق.....	۱۴
تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح.....	۱۵
سازماندهی تحقیق.....	۱۶

## فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

- ۲-۱- جهانی شدن..... ۱۸
- ۲-۲- مبانی نظری جهانی شدن..... ۲۹
- ۲-۲-۱- دیدگاه واقع گرایی در مورد جهانی شدن..... ۳۱
- ۲-۲-۱-۱- بررسی نظریات رابرت گیلپین..... ۳۵
- ۲-۲-۱-۲- دیدگاه گیلپین درباره جهانی شدن..... ۳۷
- ۲-۲-۲- نگرش های مارکسیستی و فرایند جهانی شدن..... ۴۵
- ۲-۲-۳- نظریه های لیبرال و جهانی شدن..... ۵۱

## فصل سوم: جهانی شدن اقتصاد

- ۳-۱- جهانی شدن اقتصاد..... ۶۲
- ۳-۱-۱- جهانی شدن تجارت..... ۶۸
- ۳-۱-۲- جهانی شدن تولید..... ۷۵
- ۳-۱-۳- رشد سرمایه گذاری خارجی..... ۷۸
- ۳-۱-۳-۱- انواع سرمایه گذاری خارجی..... ۸۵
- ۳-۱-۳-۲- تأثیر ساختار اقتصادی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی..... ۸۷
- ۳-۱-۴- جهانی شدن فناوری..... ۸۸

- ۵-۱-۳- تحول در بازارهای مالی..... ۹۱
- ۲-۳- جهانی شدن اقتصاد و دولت‌ها..... ۹۴
- ۱-۲-۲- مبانی حدود دخالت دولت در اقتصاد..... ۹۴
- ۲-۳-۲- دولت در عصر جهانی شدن اقتصاد..... ۹۶
- ۳-۳- رهیافت اقتصاد سیاسی بین الملل..... ۱۰۳
- فصل چهارم: بررسی ویژگی ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس**
- اهمیت خلیج فارس..... ۱۱۳
- ۱-۴- تعریف رانت..... ۱۱۴
- ۲-۴- دولت رانتیر و ویژگی‌های آن..... ۱۱۵
- ۳-۴- رانت‌رسم..... ۱۱۸
- ۴-۴- تأثیرات و پیامدهای رانت..... ۱۱۹
- ۵-۴- مبانی نظری اقتصاد سیاسی نفت..... ۱۳۰
- ۶-۴- اقتصاد نفت محور و توسعه..... ۱۳۴
- ۷-۴- عملکرد کشورهای حاشیه خلیج فارس..... ۱۴۱
- ۱-۷-۴- امارات متحده عربی..... ۱۴۳



۱۴۷.....عربستان - ۴-۷-۲

۱۵۷.....قطر - ۴-۷-۳

۱۶۳.....کویت - ۴-۷-۴

۱۶۷.....بحرین - ۴-۷-۵

۱۷۵.....عمان - ۴-۷-۶

### فصل پنجم : بررسی مؤلفه های جهانی شدن اقتصاد در کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس

تحول اقتصاد کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس..... ۱۸۱

۵-۱- خصوصی سازی..... ۱۸۴

۵-۲- خصوصی سازی در بخش های مختلف و ارزش پروژه های زیربنایی..... ۱۸۶

۵-۳- خصوصی سازی در بهداشت..... ۱۹۲

۵-۴- سرمایه گذاری در بخش گاز..... ۱۹۶

۵-۵- سرمایه گذاری در صنعت آلومینیم..... ۱۹۹

۵-۶- سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی..... ۲۰۰

۵-۷- آزادسازی اقتصادی..... ۲۰۵

۵-۸- روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس..... ۲۰۹

- ۲۱۶.....تولید ناخالص داخلی.....۵-۹
- ۲۱۹.....تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید (سهم از تولید جهانی).....۵-۱۰
- ۲۲۱.....رشد اقتصادی.....۵-۱۱
- ۲۲۳.....توسعه اقتصادی.....۵-۱۲
- ۲۲۴.....شاخص‌های توسعه اقتصادی.....۵-۱۲-۱
- ۲۲۶.....علل رشد و توسعه امارات.....۵-۱۲-۲
- ۲۳۰.....تراز حساب جاری.....۵-۱۳
- ۲۳۳.....رشد بخش غیرنفتی.....۵-۱۴
- ۲۴۲.....نتیجه‌گیری.....
- ۲۴۹.....منابع.....

- ۳-۱- درصد تغییر سالانه صادرات و واردات کالا در قیمت های ثابت.....۶۹
- ۳-۲- صادرات کالا و خدمات در جهان % از GDP.....۷۴
- ۳-۳- بزرگترین شرکت های فراملی (غیر مالی) بر اساس دارایی خارجی.....۷۶
- ۳-۴- سرمایه گذاری مستقیم خارجی درصد از GDP.....۷۸
- ۳-۵- جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی .....۸۰
- ۳-۶- کاربران اینترنت در مناطق مختلف.....۸۹
- ۳-۷- رشد کاربران اینترنت.....۹۰
- ۴-۱- ذخایر نفتی اثبات شده کشورهای حاشیه خلیج فارس به نقل از  
سیا.....۱۳۰
- ۴-۲- ذخایر اثبات شده گاز طبیعی کشورهای حاشیه خلیج فارس .....۱۴۲
- ۴-۳- تولید نفت خام کشورهای حاشیه خلیج فارس .....۱۴۸
- ۵-۱- اعتبار داخلی برای بخش خصوصی (درصد از GDP).....۱۸۵
- ۵-۲- مقایسه آزادسازی اقتصادی کشورهای GCC با میانگین جهان، منطقه و اقتصادهای آزاد.....۲۰۶
- ۵-۳- شاخص آزاد سازی اقتصادی در کشورهای حاشیه خلیج فارس.....۲۰۶

- ۴-۵- جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی..... ۲۱۰
- ۵-۵- ارزش مبادلات سهام ( % از GDP)..... ۲۱۳
- ۶-۵- ارزش بازاری سهام معامله شده بطور علنی در سال  
۲۰۱۰..... ۲۱۴
- ۷-۵- رشد سالانه GDP..... ۲۱۷
- ۸-۵- تولید ناخالص داخلی (GDP) به میلیون دلار..... ۲۱۸
- ۹-۵- GDP بر اساس (PPP) به میلیون دلار..... ۲۱۹
- ۱۰-۵- GDP بر اساس برابری قدرت خرید ( سهم از تولید جهانی) رتبه در جهان ۲۰۱۰..... ۲۲۰
- ۱۱-۵- GDP سرانه بر اساس برابری قدرت خرید رتبه در جهان ۲۰۱۰..... ۲۲۰
- ۱۲-۵- تراز حساب جاری BOP ( % از GDP)..... ۲۳۰
- ۱۳-۵- تراز حساب جاری..... ۲۳۰
- ۱۴-۵- میزان صادرات و واردات در سال ۲۰۱۰..... ۲۳۱
- ۱۵-۵- درصد تجارت GCC با مناطق مختلف..... ۲۳۲
- ۱۶-۵- صادرات مجدد ..... ۲۳۷

- ۳-۱- صادرات کالا و خدمات در مناطق مختلف..... ۶۹
- ۳-۲- روند صادرات کالا و خدمات در جهان..... ۷۰
- ۳-۳- صادرات کالا و خدمات درصد از GDP..... ۷۳
- ۳-۴- سرمایه گذاری مستقیم خارجی..... ۷۹
- ۳-۵- جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی..... ۸۰
- ۳-۶- رشد کاربران اینترنت..... ۹۰
- ۴-۱- نسبت صادرات نفتی به کل صادرات در سال ۲۰۱۰..... ۱۱۶
- ۴-۲- ذخایر نفت ۲۰۱۰..... ۱۴۲
- ۴-۳- ذخایر گاز ۲۰۱۱..... ۱۵۸
- ۵-۱- اعتبار داخلی برای بخش خصوصی درصد از GDP..... ۱۸۶
- ۵-۲- بیمارستان های خصوصی و دولتی در کشورهای GCC..... ۱۹۳
- ۵-۳- بیمارستان های خصوصی و دولتی در امارات..... ۱۹۳
- ۵-۴- مقایسه آزادسازی اقتصادی کشورهای GCC با میانگین جهان، منطقه و اقتصادهای آزاد..... ۲۰۷
- ۵-۵- آزادسازی اقتصادی در کشورهای حاشیه خلیج فارس..... ۲۰۸
- ۵-۶- ارزش مبادلات سهام ( % از GDP)..... ۲۱۴

۵-۷-ارزش بازاری سهام معامله شده بطور علنی در سال	
۲۰۱۰.....	۲۱۵
۵-۸-رشد سالانه GDP.....	۲۱۷
۵-۹-GDP.....	۲۱۸
۵-۱۰-رشد GDP بر اساس ppp.....	۲۲۰
۵-۱۱-تراز تجاری کشورهای عضو GCC.....	۲۳۱
۵-۱۲-تجارت GCC با مناطق مختلف.....	۲۳۲
۵-۱۳-رشد بخش غیر نفتی ۲۰۰۲-۱۹۹۸.....	۲۳۴
۵-۱۴-رشد بخش غیر نفتی عربستان.....	۲۳۵
۵-۱۵-صادرات مجدد.....	۲۳۷
۵-۱۶-صادرات غیر نفتی عربستان.....	۲۳۸
۵-۱۷-صادرات غیر نفتی امارات.....	۲۳۹
۵-۱۸-صادرات غیر نفتی قطر.....	۲۳۹
۵-۱۹-صادرات غیر نفتی کویت.....	۲۴۰
۵-۲۰-صادرات غیر نفتی بحرین.....	۲۴۰
۵-۲۱-صادرات غیر نفتی عمان.....	۲۴۱

## فصل اول

### کلیات پژوهش

## بیان مسئله

جهانی شدن مهمترین پدیده در حال گذار در عصر حاضر می باشد که سیاست، اقتصاد و فرهنگ ملت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. و مهمترین بازیگر عرصه بین الملل یعنی دولت به شدت تحت تأثیر این فرایند قرار گرفته است. از دهه ۱۹۶۰ که برای نخستین بار اصطلاح جهانی شدن در فرهنگ لغات آکسفورد وارد شد، به عنوان فرایندی اقتصادی شناخته شد. فرایندی که در آن به تدریج پدیده‌ها و روابط اقتصادی ماهیت جهانی می یابند. از آن پس در دانش اقتصاد به خصوص اقتصاد حقوق بین الملل، جهانی شدن به تدریج به موضوعی محوری تبدیل گردید و تا به امروز بسیاری از نظریه‌های مربوط به جهانی شدن ماهیت اقتصادی دارند. اما باید دید که چه تحولاتی در عرصه اقتصاد جهانی اتفاق افتاده که مورد استفاده و تعبیر و تفسیر نظریه‌پردازان قرار گرفته است. همانطور آمار و ارقام رسمی نشان می دهد مبادلات و تعاملات اقتصادی- تجاری در سطح جهانی به طرز روزافزونی در حال افزایش است و رژیم‌ها و استانداردها و هنجارهای جهانی در حوزه اقتصاد و تجارت در حال شکل‌گیری است.<sup>۱</sup>

ریشه جهانی شدن کنونی را باید در ظهور سرمایه داری و متعاقب آن حدوث تحولات شگرف تکنولوژیک، اقتصادی و ارتباطی جستجو کنیم در حالی که فئودالیته دارای فضایی محدود و بسته و اصولاً درون‌گرا بود، ولی برعکس ماهیت سرمایه داری برون‌گرا بوده، و به گونه ای که بقای آن شدیداً

---

<sup>۱</sup> - حسین سلیمی، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۵



به تسخیر بازارها، صدور کالا و سرمایه، تهیه مواد خام و نیروی کار ارزان و رقابت بستگی داشته است. لازم به توضیح است که کلیه فعالیت‌های مزبور عملاً در محیط بین‌المللی صورت می‌گیرند. از این رو می‌توان گفت که سرمایه‌داری بین‌المللی‌ترین نظامی است که تاکنون بشر به خود دیده است.<sup>۲</sup> در جهانی شدن اقتصاد حدود جغرافیایی و حاکمیت ملی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید و نقل و انتقالات مالی کمترین نقش را دارد. در روند جهانی شدن اقتصاد، کشورهای دنیا به هم وابسته می‌شوند، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابد. و دولت‌ها در جهت هر چه بیشتر منتفع شدن از این فرایند، تسهیلات لازم را برای بخش‌های خصوصی داخلی و نهادها و شرکت‌های چند ملیتی فراهم و موانع و تعرفه‌ها را از میان برمی‌دارند.

جهانی شدن اقتصاد را می‌توان یکپارچه شدن بازارهای کالا، خدمات و عوامل تولید در جهان توصیف کرد و طبیعی است که جهانی شدن اقتصاد مستلزم وجود رقابت در بازارهاست. این رقابت، بخش خصوصی را در کشورهای در حال توسعه وادار به فعالیت در بخش تحقیق و توسعه می‌کند؛ فعالیتی که برای بسیاری از شرکت‌های محلی پر هزینه خواهد بود، از سوی دیگر، جهانی شدن اقتصاد، امکان مشارکت علمی و نقل و انتقال تکنولوژی را فراهم می‌سازد. وانگهی، پیشرفت تکنولوژی اطلاع‌رسانی (تبادل الکترونیکی) و وجود شبکه‌های گسترده اطلاعاتی در زمینه‌های گوناگون، علمی، بازرگانی و کاربرد تکنولوژی و نیز ارتباطات فنی و تجاری بین کشورها را با کمترین هزینه امکان‌پذیر می‌سازد که این نیز به روند جهانی شدن شتاب می‌دهد.<sup>۳</sup> بر اساس رویکرد نئولیبرالی که درصدد گسترش حوزه بازیگران عرصه جهانی فراتر از دولت‌ها می‌باشد، جهانی شدن بیش از پیش به محدود کردن نقش دولت می‌پردازد و ظهور بازیگران جدید را در عرصه جهانی نوید می‌دهد. سیالیت سرمایه‌های جهانی مقررات خاصی را به دولت‌ها جهت جذب آن‌ها تحمیل می‌کند. بر اساس رویکرد نئولیبرالی

<sup>۲</sup> - سید عبدالعلی قوام، **جهانی شدن و جهان سوم**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳، ص ۱۳

<sup>۳</sup> - سید علیرضا کازرونی، "نقش سرمایه‌گذاری مستقیم در جهانی شدن اقتصاد"، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، آذر و دی ۱۳۸۲، ج ۱۸، شماره ۱۹۵-۱۹۶، ص ۹۷

دولت‌ها می‌بایستی به خصوصی سازی در داخل بپردازند تا نقش دولت در تولید و اقتصاد کاهش و توان و حضور بازیگران غیردولتی جهت رقابت در عرصه خارجی افزایش یابد. رویکرد نئولیبرالی جهت انتفاع از فرایند جهانی شدن اقتصاد آزادسازی و استفاده از درهای باز اقتصادی را که ریشه در مزیت نسبی تجارت آزاد دارد توصیه می‌کند، تا بتواند با تثبیت اقتصاد داخلی و تسهیل قوانین و مقررات به جذب سرمایه‌های خارجی بپردازد و هم با برداشتن موانع تجاری از مطلوبیت انتخاب کالا و خدمات جهت رفاه شهروندان خود بهره‌مند شود. پس با توجه به رویکرد نئولیبرالی دولت‌ها باید هم در داخل و هم در خارج دست به اصلاحات بزنند. لاجرم می‌بایستی از اقتدار خود بکاهند تا بر توان آنها افزوده شود. که این موارد ابتدا در اروپا شروع شده و کشورهای اروپایی نخستین کشورهایی بودند که اصلاحات لازم را جهت همگرایی و کاهش موانع تجاری برداشتند تا بتوانند از مزایا و منافع جهانی شدن بهره‌مند شوند.

در کشورهای حاشیه خلیج فارس، دولت بیشترین نقش را در اقتصاد دارد. وجود نفت و درآمدهای افسانه‌ای ناشی از آن تأثیرات مهمی بر روی ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس گذاشته است. ساختارهای سیاسی این کشورها مجموعه‌ای متمرکز در دست دولت است. در این کشورها همه نوع فعالیت اعم از سیاسی و اقتصادی به دولت برمی‌گردد. نفت به تقویت قدرت دولت در برابر جامعه انجامیده است و به استقلال آن از جامعه کمک نموده است. دولتی که از نظر مالی و بودجه‌ای و هزینه‌های خود به مردم وابسته نباشد، نیازی به توسعه اعم از صنعتی شدن، خصوصی سازی، آزادسازی اقتصادی و تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی نمی‌بیند. امروزه توسعه و پیشرفت کشورها، در برون‌گرایی اقتصادی و اتخاذ سیاست‌هایی در راستای اقتصاد جهانی به منظور پیشرفت و توسعه و استفاده از فرصت‌های جهانی شدن می‌باشد.

جهانی شدن در حال به چالش کشیدن دولت است. آن را مجبور می‌کند تا از مرکز فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی عقب‌نشینی نماید و این دیدگاه که بر پارادایم نئولیبرال استوار است، اصل را بر این

فرض می‌گذارد که نیروهای عمدتاً اقتصادی، نهادهای دیگر به ویژه دولت را وادار می‌سازند تا از جایگاه مرکزی خود در عرصه‌های بین‌المللی و داخلی عقب‌نشینند. و دولت‌ها باید با محدود کردن اختیارات خود و با واگذاری آن‌ها به مکانیسم بازار از حجم خود و دخالت خود در فعالیت‌های اقتصادی بکاهند. با توجه به اینکه جهانی شدن اقتصاد فرایندی است در حال گذار و کشورها به انحاء مختلف درصد بهره‌برداری از آن هستند، کشورها با ایجاد شرایط و بستر لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش توان رقابتی خود خواهان ارتقای نقش و جایگاه خود در عرصه جهانی هستند. و تعامل مثبت با فرایند جهانی شدن اقتصاد به منظور توسعه اقتصادی و بهره‌برداری بیشتر از امکانات و فرصت‌های این فرایند برای کشورها ضرورت است. مهمترین الزامات ادغام مؤثر و کارآمد کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس، در فرایند جهانی شدن اقتصاد را باید انجام اصلاحات داخلی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی دانست. از این رو فرایند جهانی شدن، گذار ملت‌ها از دوران رقابت‌های ایدئولوژیک قرن بیستم به دوران جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد است که دربردارنده چالش‌ها و فرصت‌هایی است که نیازمند بهره‌برداری مناسب و برنامه‌ریزی علمی، منسجم و هماهنگ برای به حداقل رساندن چالش‌ها و به حداکثر رساندن فرصت‌هایی است که این فرایند ایجاد می‌نماید. با توجه به این مهم در این پژوهش سعی خواهد شد در چارچوب رویکرد نئولیبرالیسم جهانی شدن تعریف و تبیین شود. بنابراین چارچوب تئوریک پژوهش خود را بر مبنای رویکرد نئولیبرالی پایه‌ریزی می‌نماییم و در صدد پاسخگویی به این سؤال می‌باشیم که جهانی شدن اقتصاد چه تأثیری بر ساختار اقتصاد سیاسی متأثر از نفت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس داشته و قصد داریم با بررسی مؤلفه‌های جهانی شدن اقتصاد (جهان شدن تولید، جهانی شدن تجارت و جهانی شدن سرمایه) تأثیر آنها را بر ساختار اقتصاد سیاسی کشورهای نفتی حاشیه جنوبی خلیج فارس بررسی نماییم.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به تأییراتی که فرایند جهانی شدن بر نظام بین الملل و به تبع آن سیستم داخلی کشورها می-گذارد، منطقه خلیج فارس بدون شک نمی تواند از این اثرات مصون بماند، لذا ضرورت ایجاب می کند که این منطقه به دلیل دارا بودن قابلیت های بالقوه و بالفعلی که دارد، در فرایند جهانی شدن مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. موقعیت استراتژیک این منطقه موجب اهمیت خلیج فارس هم از نظر تجاری و هم نظامی شده است. وجود منابع غنی معدنی، به ویژه نفت به این منطقه اهمیت بسیاری بخشیده است. مهمترین ابعاد اهمیت خلیج فارس عبارتند از: موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی و منابع و ذخایر گرانبهای این منطقه. با توجه به نقش بی بدیل قدرت اقتصادی در مناسبات قدرت های جهانی و نقش ذخایر انرژی به عنوان نیروی محرکه اقتصاد جهانی، جهانی شدن اقتصاد الزاماتی را برای کشورها از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد می نماید. خلیج فارس به عنوان یک منطقه پر اهمیت و استراتژیک تحت تأثیر پدیده جهانی شدن قرار گرفته است. خلیج فارس به عنوان موجود زنده ای است که فعالانه با دنیای خارج در ارتباط است. این منطقه محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و شرقی است و از نظر استراتژیک منطقه خاورمیانه به عنوان مهم ترین مرکز ارتباطی میان سه قاره محسوب می شود. وقتی یک مرکز ارتباطی از هر حیث مناسب باشد، تجارت، بازرگانی و اقتصاد آن منطقه رونق خواهد یافت. در دنیای فوق صنعتی حاضر که وابستگی آن روز به روز به نفت بیشتر می شود، بحران خفته انرژی و تجارت بین المللی (اعم از مواد خام و فرآورده های صنعتی) از طریق تنگه هرمز در منطقه خلیج فارس، اهمیت این منطقه را بیش از پیش افزایش داده است. وابستگی کشورهای صنعتی از یک سو و کشورهای حاشیه خلیج فارس از سوی دیگر به نفت این منطقه، امری اجتناب ناپذیر است. بنابراین بخشی از اقتصاد جهانی از طریق راه های ارتباطی منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز به کشورهای حاشیه این منطقه پیوند خورده است.